


## چکیده:

در حوزه تاریخ‌نگاری معاصر، تاریخ‌شفاهی یکی از شیوه‌های پژوهش است که با رویکرد جدید علمی توانسته نقش تحولی و تکمیلی در تاریخ‌نگاری را ایفا نماید. در تاریخ‌شفاهی با ابزار مصاحبه به کنکاش تحولات و رویدادها از زبان روایانی که در وقایع به طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت دارند، پرداخته می‌شود. در مصاحبه تاریخ‌شفاهی حرکات بدنی و ارتباطات غیرکلامی نقش به‌سزایی در برقراری ارتباط بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌کننده دارد. حتی جنبه‌هایی از این حرکات می‌توانند نقشی اساسی‌تر از مهارت‌های کلامی در برقراری ارتباط ایفا کنند. پیام‌رسانی بدن به‌عنوان بخش مهمی از روان‌شناسی اجتماعی و ارتباطات انسانی نقش به‌سزایی در اجرای صحیح مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی دارد از پیش‌تازان و پیشروان مطالعات غیرکلامی، مشخص کرده‌اند که فقط ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیرکلامی است. در ارتباطات بین فردی و حضور با معنای فرد مشارکت‌کننده در واقعه تاریخی و مصاحبه تاریخ‌شفاهی وی، توجه به علائم غیرکلامی به اندازه‌ای تأثیرگذار است که می‌توان با بررسی و دقت‌نظر، در مواردی اعتبار بیانات را به‌سنجه گذاشت. در این مقاله تلاش بر آن است تا با تبیین جایگاه تاریخ‌شفاهی در تاریخ‌نگاری معاصر بر نقش فرازبان و زبان بدن در ارتباطات کلامی و تأثیر آن بر تقویت پیامها و جایگزینی پیام‌های کلامی، تبیین خاصی در حوزه ارتباطات زبانی و تاریخ‌شفاهی ارائه شود.

## کلید واژه‌ها:

تاریخ‌شفاهی، تاریخ‌نگاری، فرازبان، مصاحبه تاریخ‌شفاهی



# ضرورت تاریخ شفاهی در تاریخنگاری و نقش فرازبان در مصاحبه تاریخ شفاهی

فایزه توکلی

## مقدمه

در تاریخ شفاهی با ابزار مصاحبه به کنکاش تحولات و رویدادها از زبان راویانی که در وقایع به طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت دارند، پرداخته می‌شود. به بیانی تاریخ در چارچوب تاریخ شفاهی، صرفاً گذشته نیست، در تاریخ‌نگاری رایج مورخان با دیدگاه‌های ایدئولوژیک، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خویش به واقعیت‌ها می‌نگرند و از وقایع رخ داده، روایتی را برداشت و نوشتاری را ترسیم می‌نمایند، اغلب مورخان با کم‌رنگ و پررنگ کردن وقایع، به شرح و بسط نقلی وقایع و گاه فراتر از آن به تحلیل شخصی می‌پردازند. اکتفای صرف به نظرات گوناگون مورخان در حوزه تاریخ‌نگاری معاصر، نقص رایجی است که وجود دارد. تاریخ شفاهی می‌کوشد به رفع این نقص بپردازد و با انجام مصاحبه و کالبدشکافی علل و عوامل مؤثر بر پیدایش پدیده‌ها و تحولات اجتماعی به تبیین همه‌جانبه به دیدگاه‌های گوناگون دست یازد و از آسیب تک‌سبب‌بینی و دید تک‌بُدی مورخ یا راوی در امان ماند و به تکمیل و تصحیح تاریخ‌نگاری مکتوب معاصر بپردازد. در ضرورت بحث تاریخ شفاهی و توسعه آن باید گفت بیش از چند دهه از عمر تاریخ شفاهی به شکلی که هم‌اکنون در مراکز دانشگاهی خارج از کشور اجرا می‌شود، نمی‌گذرد. در ایران تاریخ شفاهی تاکنون در مراکز دانشگاهی جایگاه لازم خود را نیافته است. شاید بتوان گفت علت عدم توجه کافی به تاریخ شفاهی، علاوه بر تازه بودن این روش، فقدان تجربه و مهارت و باور کافی به تاریخ شفاهی است زیرا فرآیند تحول و تغییر در علوم همواره تدریجی بوده و هست و قبول و پذیرش روش‌های جدید همواره با مقاومت‌هایی روبرو بوده و پذیرش آنها زمان‌بر است. درحوزه تاریخ شفاهی فقدان تجربه و مهارت لازم در این زمینه موجب می‌شود تا برخی بدان توجه لازم را نکنند نه آنکه آن‌را قبول نداشته باشند.

به هر حال ضرورت پرداختن به تاریخ شفاهی فقط ثبت و ضبط روایت‌ها صرفاً برای آیندگان نمی‌باشد بلکه تحلیل و واکاوی تحولات، مسائل و مشکلاتی است که برگرفته از عملکرد انسان‌های مشارکت‌کننده می‌باشد. تاریخ شفاهی در تدوین تاریخ معاصر کاملاً کاربردی و ضروری است، تدوین روایت سیاست‌مداران و فعالان عرصه اجتماعی اقتصادی و تحلیل روایت و گفت‌وگو آنان در بازخوانی عملکرد دولت‌ها و سیاست‌ها نقش بسیار مهمی دارد. تاریخ شفاهی، می‌تواند با ورود به حوزه‌های گوناگون و نهادهای اجتماعی به تبیین علل و عوامل تحولات گوناگون و حیاتی جامعه بپردازد و مسائل و مشکلات مختلف را بازشناسی کند و پیش از آنکه چراغ راه آیندگان باشد، چراغ راه حال باشد و بتواند در تصحیح و اصلاح فرآیندها و کنش‌ها سهیم باشد (توکلی، ۱۳۹۱).

### اهمیت و ضرورت تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری

اکثر شواهد تاریخی از بقایای کاغذ، پوست، سنگ و غیره که از عصرهای پیش بر جای مانده‌اند سرچشمه می‌گیرند. اما شواهد گفتاری در پاسخ به پرسش‌های پژوهشگر پدیدار می‌شوند. روشی که خطرهای آن آشکارند و به همان اندازه مزایای آن واقعی به نظر می‌رسند.

تاریخ شفاهی نقش مکملی در تاریخ‌نگاری دارد، در زیر به برخی دلایل اشاره می‌شود:

- نوعی خاص و غیرمعمول از شواهد تاریخی را می‌شناساند، زیرا با اسناد و مکتوبات و مهر و الواح متفاوت است.

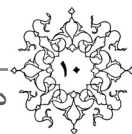
- منابع مختلف تاریخی را معرفی می‌کند.

- زوایای جدیدی از تفسیر تاریخی و تحولات را مطرح می‌کند.

نقش مکمل آن بدین‌گونه است که از ابداعات تاریخ‌نگاری است و در نتیجه پیشرفت‌های فنی، به‌ویژه میکروفن و ضبط صوتی تصویری اهمیت یافته است. پیش از این به تحلیل مورخ در تاریخ‌نگاری اکتفا می‌شد در حالی که با حضور این وسایل پژوهشگر در مصاحبه با منبع خبر راحت‌تر ارتباط می‌یابد. منبع خبر غالباً با فراموش کردن هدف مصاحبه می‌تواند آزادانه صحبت کند. پژوهشگر می‌تواند بر موضوعش و آنچه او می‌گوید متمرکز شود و کار نسخه‌نویسی، مرتب‌سازی، گزینش و ویرایش را به بعد واگذار کند. اضافه بر این، تفاوت‌های جزئی بیان - که در یک سند کتبی وجود ندارد - نیز ضبط می‌شود (استنفورد، ۱۳۸۶، ص ۲۵۶).

البته تکنیک‌های اساسی پژوهش تاریخی در این شیوه بسیار جدیدند. این نوع پژوهش تاریخی بود که مورخان را به لزوم رهیافتی انتقادی به شواهدشان آگاه ساخت. چنان‌که میکروفن و ضبط صوت به لوح و قلم و دفتر یادداشت اضافه شد.

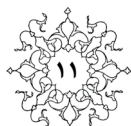
هنگامی که تکنیک‌های جدید کامل شدند، منابع جدید گشوده شدند، آن‌ها به‌طور گسترده‌ای برای پژوهش تاریخی از افرادی که حتی برخی سواد هم نداشتند در ضبط و ثبت وقایعی که



مشاهده کرده بودند نیز استفاده می‌نمایند. حتی در بین ملل باسواد، افراد زیادی به واسطهٔ پیروی یا فقدان آموزش نمی‌توانند خاطراتشان را بنویسند، اما چیزهای مهمی دارند که از تجاربشان در طول عمر شصت، هفتاد یا هشتاد سالهٔ خود نقل کنند. بدین‌سان، بخش‌های تازه‌ای از حوزه تاریخی، به‌ویژه در تاریخ اجتماعی به روی مطالعهٔ مورخ باز می‌شود. در این شیوه تاریخ‌نگاری فقط سالخوردگان و مستمندان نیستند که می‌توانند شواهد تاریخی مهمی را فراهم آورند. زیرا همهٔ حکومت‌ها، و نه فقط خودکامگان اکراه دارند که آرشیوهایشان را در دسترس مورخ قرار دهند (استنفورد، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷). در نتیجه اتفاقات مهمی از اطلاع همگان پنهان می‌ماند. جایی که چنین تلاش‌هایی ناموفق بوده‌اند، خاطرات و پژوهش‌های شفاهی، و نه اسناد کتبی، آنها را شناسانده‌اند. (برای مثال، فرار خاندان سلطنتی پهلوی در سال ۱۳۵۷، آرشیو صدا و سیما، گزارش چگونگی پناهندگی خاندان پهلوی و فرار آنها از ایران، بهمن ۱۳۸۸) بنابراین، «تاریخ زمان حال را نمی‌توان بدون منابع شفاهی نگاشت»، (Vandecasteele, 1992, p.41).

این منابع گفتاری، «پیچیدگی انگیزهٔ انسان، ماهیت ناپایدار «حقیقت» تاریخی، شکاف‌های درون شواهد، رابطه گه‌گاه ظریف کلام و رفتار را آشکار می‌سازند (Seladon, and pappworth, 1989, p.156).

اهمیت تاریخ شفاهی در رویکرد امروزی که پس از اختراع ضبط صوت و در شکل پیشرفته آن ضبط‌های دیجیتالی که قابلیت طولانی ضبط صدا و بهره‌وری از آن در سیستم‌های رایانه و ارسال آن را دارند، نقش بسیار مهمی در رد و بدل کردن داده‌های تاریخی یافته است. اسناد به گفته‌ها و خاطرات افرادی که در رویدادها نقش اصلی را داشتند می‌تواند به عنوان «منبعی اصلی و مکمل در تاریخ‌نگاری محسوب شود». ویژگی برجستهٔ تاریخ شفاهی در مقایسه با تاریخ‌نگاری مبتنی بر اسناد و گزارش‌های رسمی، ضبط و ترسیم ویژگی‌های روان‌شناختی و ارائه تصویری کم و بیش زنده براساس تجربیات مستقیم و غیرمستقیم افراد است. در این شیوه ثبت حوادث به واسطهٔ درج آهنگ و زیر و بم صدا و ظرایف کلامی به‌گونه‌ای است که عواطف و احساسات اشخاص باز نمایند، و تجربیات آنان به گزارش‌های تاریخی تلفیق می‌شوند. در تاریخ شفاهی رفتارها و واکنش‌های افراد نیز گویاتر می‌شود زیرا تاریخ زنده است. «تاریخ شفاهی از این جاست که اهمیت خود را باز می‌نماید. صرف‌نظر از میزان بهره‌گیری از این مدارک در شناخت و تفسیر گذشته، از این منظر که رویکرد شفاهی مدارک متکثری را پیش روی مورخ قرار می‌دهد و او را در شناخت ابعاد مختلف کنش انسان‌ها، یاری می‌دهد، ارزشی دو چندان پیدا می‌کند. داده‌های تاریخ زمانی به ماهیت علمی تاریخ کمک می‌کنند که مورخ را در پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که پاسخ آنها را نمی‌داند یاری کنند؛ از این منظر، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و فیلمبرداری‌ها و شرح و بسط‌های پیرامون وقایع و آثار و ابنیه، به لحاظ زنده‌بودن، برخوردار از پویایی بیشتر و



توانایی انتقال گفتمان حاکم بر زمان رخداد واقعه یا زمان ساخت آثار؛ بهره بیشتری نصیب محقق تاریخ می‌کنند و با هموار کردن زمینه‌های گفتگو و تعامل بیشتر مورخ (مصاحبه‌کننده) با طرف مقابل (مصاحبه‌شونده) امکان پاسخ‌گویی مناسب‌تر به سؤالات مطرح شده او را فراهم می‌آورند (رضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

### مصاحبه در تاریخ شفاهی

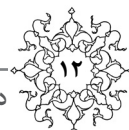
مصاحبه ابزار تاریخ‌شفاهی است. مصاحبه به عنوان ابزار، در ظاهر شیوه‌ای ارتباطی دارد. در مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی که ارتباط شفاهی و چهره به چهره<sup>۱</sup> می‌باشد، تمامی ظرفیت‌های کلامی و غیر کلامی برقرار می‌شود. اصل ارتباط در مصاحبه فعال و پویا در بدست‌آوردن یافته‌های پژوهش بسیار اهمیت دارد (محسنیان‌راد، ۱۳۸۰، ص ۷۰). مصاحبه نوعی ارتباط شفاهی و نوعی خاص از کنش متقابل اجتماعی است و هدف از آن دستیابی به واقعیت است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۰، ص ۲۱۴) مصاحبه یک فراگرد<sup>۲</sup> است و برخلاف ماهیتش که به دنبال یافتن اطلاعات مورد نظرش است، به ارتباط کمتر توجه دارد. تلاش‌های مصاحبه‌شونده هم برای ارتباط‌گیری فقط برای کسب اطلاعات است، نه اصل ارتباط. در حالی که جمع‌آوری اطلاعات و موادخام پژوهش یکی از دستاوردهای اولیه مصاحبه است و مهم‌ترین کارکرد آن برقراری ارتباط است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۰، ص ۳۷-۶۲).

### تعریف مصاحبه

جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش نظام‌دار و گوش‌سپاری دقیق به پاسخ‌های داده شده را مصاحبه می‌نامند (Stimson, Fitch & Rhodes, 1998). مصاحبه ضرورت دارد زیرا:

- دستیابی به اطلاعات را فراهم می‌کنند: مصاحبه‌ها دستیابی غیرمستقیم به گستره‌ای از تجارب، موقعیت‌ها، و دانش‌هایی را فراهم می‌آورند که پژوهشگران قادر به مطالعه آنها به شیوه دیگر نیستند. افراد مطلع به توصیف رفتارها می‌پردازند و وقایع را مطرح می‌کنند که پیش از آن توسط دیگران مطرح نشده است.
- معنایی: مصاحبه‌ها به درک و کشف معانی و تعاریفی می‌پردازند که افراد را به وقایع و فعالیت‌ها منتسب می‌کنند.
- تسهیل مداخلات: مصاحبه‌ها می‌توانند در هر مکان یا زمان و با افراد یا گروه‌های متفاوتی تشکیل شود.

1- face-to-face  
2- process



## مفهوم و ماهیت مصاحبه در تاریخ شفاهی

در مصاحبه تاریخ شفاهی، شناخت مفهوم، ماهیت و اهداف مصاحبه، نقش تعیین کننده‌ای در تاریخ نگاری دارد.

از جنبه مفهومی مصاحبه و ماهیت آن، نوعی ارتباط شفاهی، کنش متقابل اجتماعی و یک فراگرد است (کاموس، ۱۳۸۶، ص ۳۰-۳۲).

مصاحبه در تاریخ شفاهی، گفت و گویی نظامدار است که به تبیین روایتی از یک موضوع تاریخی می‌پردازد. چنین مصاحبه‌ای منبع شفاهی برای تاریخ نگاری است. متن تولید شده در این شیوه، روایتی تاریخی از تاریخ نگاری شفاهی است و اعتبار آن به عوامل زیر می‌تواند بستگی داشته باشد:

ذهنیت مصاحبه کننده، شرایط متعارف مصاحبه (ضوابط کمی و کیفی)، توافق راویان بر موضوعات، بافت موقعیت فرهنگی، تناسب قدرت میان طرفین مصاحبه، استنباط طرفین مصاحبه، در کیفیت مصاحبه و ارائه آن بی‌تردید می‌تواند اثر داشته باشد. در زیر به برخی از تعاریف مفهومی اشاره می‌شود:

در حقیقت می‌توان گفت که: «مصاحبه یک ارتباط طراحی شده، هدف دار، رو در رو و نیازمند به تصمیم گیری است» (قاسمی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴).

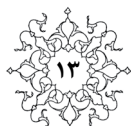
در کتاب اصول و مهارت های مصاحبه، چنین آمده است: «مصاحبه نوعی ارتباط شفاهی است که در آن دو طرف حضور دارند و دست کم یکی از طرفین با برنامه ریزی قبلی در آن شرکت می‌کند. هر دو طرف به طور متناوب صحبت می‌کنند و به دیگری گوش فرا می‌دهند» (قاسمی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵).

البته مصاحبه را می‌توان بر اساس حلقه‌های ارتباطی (فردی، گروهی)، نوع ارتباط (بی‌واسطه و باواسطه)، نوع محتوا (سطحی، عمیق)، هدف ارتباط (هدایت شده، آزاد)، نقش مصاحبه کننده، معنی و وسیله نهایی ارسال پیام دسته بندی کرد (محسنیان راد، ۱۳۷۷، ص ۳۵، ۳۶، ۸۵، ۱۰۰).

طبق این دسته بندی مصاحبه در تاریخ شفاهی، مصاحبه ای فردی (یک به یک)، بی‌واسطه (رو در رو)، عمیق (پرداختن به یک موضوع خاص با ریشه یابی و جزئیات و تفاسیر)، موضوعی، هدایت شده و به درخواست مصاحبه کننده با مطالعه پیشین برای کشف واقعیت، ثبت وقایع در تاریخ و انتشار از وسایل ارتباط جمعی دانست. اما آنچه ماهیت مصاحبه را در تاریخ شفاهی شکل می‌دهد، اهداف مصاحبه است.

## نقش زبان بدن و فرازبان در مصاحبه تاریخ شفاهی

حرکات بدنی و ارتباطات غیرکلامی در مصاحبه تاریخ شفاهی نقش بسزایی در برقراری ارتباط



بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌کننده دارد. حتی جنبه‌هایی از این حرکات می‌توانند نقشی اساسی‌تر از مهارت‌های کلامی در برقراری ارتباط ایفا کنند. به‌طور کلی، این حرکات از سه طریق عمل می‌کنند:

۱- جایگزین پیام‌های کلامی می‌شوند.

۲- پیام‌های کلامی را تقویت می‌کنند.

۳- در جهت خلاف و رد پیام‌های کلامی عمل می‌کنند (پهلوان نژاد، ۱۳۸۶).

در این بخش، به اختصار به بررسی پیام‌های حرکات مختلف اندام‌های سر، صورت (که به اشارات ابروان، چشم، بینی، دهان و لب تقسیم می‌شود)، دست، پا و همچنین حرکت اندام‌های دیگر مانند حرکت شانه‌ها و معنی هر کدام از آنها در ارتباطات زبانی پرداخته می‌شود. برای موارد تفصیلی به کتاب‌های موجود در این زمینه تحت‌عنوان زبان بدن مراجعه شود.

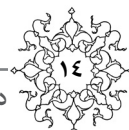
یکی از پیش‌تازان و پیشروان مطالعات غیرکلامی، «بیردویسل»<sup>۱</sup> مشخص کرده است که فقط ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیرکلامی است. پیشگام دیگری که در عرصه تحقیقات غیرکلامی نامی بلندآوازه دارد «آلبرت مهرابیان» محقق ایرانی - امریکایی است. او نیز پیام‌های فرستاده شده در یک ارتباط بین فردی را تجزیه و تحلیل کرده و دریافته است که فقط ۷ درصد از معنی با پیام‌های کلامی (در قالب کلمات و جملات) به مخاطب منتقل شده است. ۹۳ درصد از پیام به گونه غیرکلامی منتقل شده است و قابل تقسیم به این موارد است؛ ۳۸ درصد آن با «نشانه‌های آوایی»<sup>۲</sup> و ۵۵ درصد با «نشانه‌های چهره‌ای»<sup>۳</sup>. «نشانه‌های غیرکلامی» در ارتباطات بین فردی و مصاحبه تاریخ‌شفاهی بسیار مهم است و نقش آن در بسیاری موارد در انتقال معنی از فردی به فرد دیگر بسیار حیاتی می‌باشد (فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۳-۲۷۲).

پیام‌رسانی بدن به‌عنوان بخش مهمی از روان‌شناسی اجتماعی و آموزش حرفه‌ای، کاربردی فراوان به‌ویژه در اجرای صحیح مصاحبه تاریخ‌شفاهی و سایر حوزه‌های آموزش، امور اجتماعی و جامعه‌شناسی دارد.

### اهمیت زبان بدن در تاریخ‌شفاهی

مصاحبه تعاملی دو سویه می‌باشد که در آن طرفین گفتگو به صورت فعال شرکت دارند. در این تعامل اضافه بر مهارت‌های کلامی، مهارت‌های غیرکلامی دخالت غیرمستقیم دارد تا آنجا که زبان بدن مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده می‌تواند در اعتبار و عینیت مصاحبه تاریخ‌شفاهی اثر گذار باشد. مطالعه در خصوص حرکات غیرکلامی و فرازبانی در این حوزه بسیار مهم است.

1. Birdwhistel
2. Vocal cue
3. Facial cue



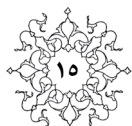
در این جا به لحاظ نظری برخی حرکات بدنی و زبان بدن و ارتباط آن با مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده تبیین می‌شود.

بعضی از حرکات غیر کلامی جهانی<sup>۱</sup> و بعضی دیگر غیر جهانی یا منطقه‌ای<sup>۲</sup> هستند. جهانی‌ها همه‌جا شناخته شده‌اند و همه انسان‌ها با آنها آشنا هستند؛ برای مثال، در ایران، امریکا و چه در یک قبیله بدوی، لبخند زدن در شرایط طبیعی معانی خوبی را به همراه دارد و تقریباً همه برداشت خوب و مثبتی از آن دارند (البته به جز معانی کنایی و انواع معانی متضادی که امروزه ادبی تعبیر می‌شوند). این جهانی‌ها همان نشانه‌هایی هستند که از کودکی به همراه ما بوده‌اند.

نظریه اشاره<sup>۳</sup> که توسط ویلهلم ونت معرفی شد بیان می‌دارد که ابتدایی‌ترین شیوه ارتباط انسان‌ها، نشانه و اشاره‌ای است که با دست‌ها ایجاد می‌شود. چنین زبانی به‌طور طبیعی و هم‌زمان است؛ به‌طوری که حتی امروزه هنگامی که کسی را به طرف خود فرا می‌خوانیم، علاوه بر اینکه به‌طور لفظی کلمه‌ای را بر زبان می‌آوریم، با حرکت دست نیز آن کلمه را همراهی می‌کنیم و در شرایطی که زبان مخاطب خود را ندانیم، به اشاره متوسل می‌شویم. وی اضافه می‌کند که هر اشاره دست با حرکت زبان و لب‌ها و فک‌ها منطبق است و این‌ها به تدریج به اشاره زبانی، اشاره لبی و اشاره فکی تبدیل شده‌اند و انسان این مسیر تحول را طی کرده است تا از زبان اشاره به زبان گفتاری رسیده است.

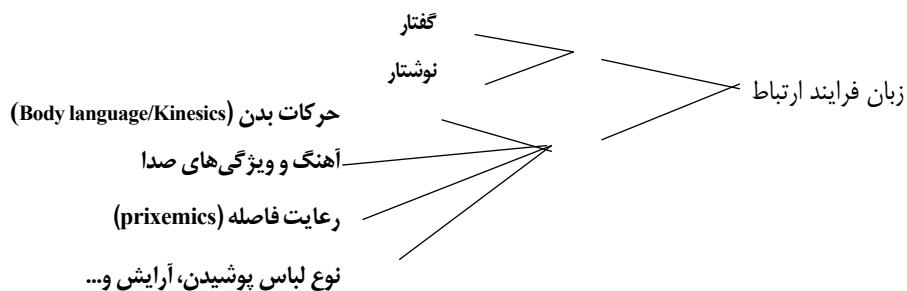
برخی روان‌شناسان مانند ادوارد هال ادعا می‌کنند زبان بدن بسیار مهم‌تر از زبان گفتاری است. چندین دلیل در حمایت از این عقیده عرضه شده است؛ دلیل اول: میزان استفاده از زبان گفتاری در مقایسه با زبان بدن بسیار ناچیز است. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که در یک ارتباط، فقط هفت درصد از آنچه شخص احساس می‌کند، در کلمات بیان می‌شوند و نود و سه درصد هیجانات با استفاده از مسیرهای گوناگون ارتباط غیر کلامی بیان می‌گردند. دلیل دوم، زبان بدن نسبت به زبان گفتاری از پویایی بیشتری برخوردار است. روان‌شناسان ادعا می‌کنند که در رابطه دو نفر، بیش از پنجاه و پنج درصد معانی به شکل غیر کلامی رد و بدل و فهمانده می‌شوند. یک روان‌شناس میزان استفاده از زبان بدن بین دو نفر را مورد ارزیابی قرار داده و چنین نتیجه گرفته است که اشخاص معمولی کم‌تر از بیست دقیقه در روز صحبت می‌کنند و جملات عادی، کم‌تر از پنج ثانیه عمر دارند. همچنین اکثر بچه‌های کوچک از کلمات برای بیان واقعیت‌ها استفاده می‌کنند. «من خسته هستم» و از زبان بدن بیشتر برای تبادل هیجانات و عواطف استفاده می‌کنند؛ مانند گریه یا اخم کردن در هنگام ناراحتی و چپ‌چپ نگاه کردن در هنگام عصبانیت، دلیل سوم، در نشان دادن اهمیت ارتباط غیر کلامی در رابطه افراد این حقیقت انکارناپذیر است که زبان بدن، حقایق

1. universal
2. particular
3. Tbc gesture theory





را غیرقابل کتمان می‌کند. به عبارت دیگر، زبان بدن غالباً احساسات واقعی ما را از ورای آنچه در کلام بیان می‌کنیم، آشکار می‌سازد. همچنین زبان بدن نسبت به زبان برخی در توصیف فرآیند ارتباط فقط به این عوامل اعتقاد دارند:



## فرازبان

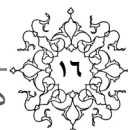
### علائم فرازبان

آرژیل (۱۹۷۲) معتقد است ده مشخصه ذیل توصیف کننده علائم فرازبان می‌باشند:

- ۱- تماس بدنی (Bodily contact)
- ۲- میزان فاصله (Proximity)
- ۳- حالت بدن (Posture)
- ۴- ظاهر فیزیکی (Physical appearance)
- ۵- حالت صورت و بدن (Facial & gestural movement)
- ۶- مسیر دید (نگاه) (Direction of gaze)
- ۷- مدت و زمان بندی صحبت (Timing of speech)
- ۸- حالت عاطفی گفتار (Emotional tone of speech)
- ۹- خطاهای گفتار (Speech errors)
- ۱۰- لهجه (Accent)

### ارتباط غیر کلامی

با توجه به اهمیت پیام‌های غیر کلامی، در این قسمت به بررسی تعاریف گوناگون و دیدگاه‌های اندیشمندان و زبان‌شناسان مختلف درباره آن پرداخته می‌شود.



ممکن است در ابتدا چنین به نظر برسد که ارائه تعریفی جامع و مانع از ارتباطات غیر کلامی، کار چندان دشواری نیست؛ اما به محض ورود به عوامل جداکننده و مشترک، دشواری کار، خود را نشان می‌دهد. اگر کلمه «غیر» به معنی «نه» و «جز» در نظر گرفته شود و کلمه «کلامی» به معنی کلمات که مجموعه‌ای از حروفی که مفهومی را القاء می‌کنند، در آن صورت ارتباط غیر کلامی یعنی ارتباط بدون کلمات و حروف. این خود آغازی مناسب است. اگر تمایزی بین «ارتباط آوایی» یا ارتباطی که به دهان آدمی وابسته است و «ارتباط مبتنی به کلمه» قائل شویم، به این نتیجه می‌رسیم که برخی از پیام‌های غیر کلامی، آوایی‌اند و بعضی دیگر خیر. به همین ترتیب بسیاری از پیام‌های کلامی، آوایی هستند و برخی از آن‌ها خیر. جدول زیر این نکته را نشان می‌دهد:

ارتباط غیر آوایی	ارتباط آوایی	شیوه‌های ارتباطی
کلمات نوشتاری	کلمات گفتاری	ارتباط کلامی
حرکات، وضع ظاهر، حرکات چهره، حالت بدن و...	طنین صدا، فریاد، کیفیت صدا (بلندی و کوتاهی، ضریب و...)	ارتباط غیر کلامی

بنابراین، ارتباط غیر کلامی عبارت است از: پیام‌های آوایی و غیر آوایی که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان‌شناسی ارسال و تشریح شده‌اند (فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۲۱-۲۲).  
 شولمن بحث ارتباط کلامی را در کتاب خود با ذکر حرکات چارلی چاپلین در فیلم‌های صامت او یادآور می‌شود و می‌نویسد که چارلی چاپلین توانست بدون کلام با شاگردانش ارتباط برقرار کند. دست‌هایش، چهره‌اش، راه رفتن خنده‌دارش و لباس‌هایش همه، پیام‌های او را منتقل می‌کردند. او می‌افزاید: «ما در زندگی روزمره مرتباً پیام‌های غیر کلامی می‌فرستیم، چشمک می‌زنیم، آدا در می‌آوریم، دست‌هایمان را حرکت می‌دهیم و اشاره می‌کنیم. این پیام‌های غیر کلامی در کنش‌های متقابل انسانی می‌توانند بسیار مهم‌تر از اعتباری باشد که برای ۱. نشانه‌ها، ۲. روشن‌کننده‌ها، ۳. تنظیم‌کننده‌ها، قائلند.

### ۱. نشانه‌ها:

در فرهنگ‌های مختلف ملل دنیا، علایمی وجود دارد که می‌توانند معادل کلمه یا کلمات موجود در آن فرهنگ قرار گیرند؛ برای مثال، غواصان پس از پوشیدن تجهیزات غواصی با دو انگشت شست و نشانه علامت حلقه را نشان می‌دهند و از این طریق معنی «بسیار خوب» را می‌رسانند. در



اینجا می‌خواهند بگویند «همه چیز آماده است». خیلی از نشانه‌ها متعلق به فرهنگ خاص است و در فرهنگ‌های دیگر جایی برای تعبیر دقیق ندارند. بعضی از سازمان‌ها نیز معمولاً از مجموعه‌ای نشانه‌های رسمی و مخصوص به خود استفاده می‌کنند، برای مثال، مدیران استودیوی تلویزیون هنگام ارتباط با مجریان برای نشان دادن اشکال فنی، انگشت نشانه دست راست خود را بر روی نوک انگشت نشانه دست چپ می‌گذارند و با این حرکت چیزی شبیه به حرف انگلیسی "T" را نشان می‌دهند.

نشانه‌ها ممکن است به تنهایی و یا در کنار هم به کار روند که در حالت دوم، جملات کوتاه را تشکیل خواهند داد؛ برای مثال، وقتی به محل کار شخصی وارد می‌شوید و در آن منشی مسئول، مشغول صحبت کردن با تلفن است، به سبب گرفتاری با استفاده از نشانه‌ها از شما عذرخواهی می‌کند و تعارف می‌کند که بنشینید.

## ۲. روشن‌کننده‌ها:

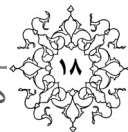
همسو با سخن‌گفتن عمل می‌کنند و می‌توانند در موارد متعددی مانند تأکید بر کلمات و عبارات، نشان دادن نوع روابط افراد، کشیدن تصویر مفاهیم در فضا، دنبال کردن حوادث و اعمال وزن در کلمات ادا شده به کار روند. روشن‌کننده‌ها در غالب اوقات به وسیله دست و بازو ظاهر می‌شوند؛ ولی هر نوع حرکت بدنی را که در تبادل کلامی نقشی داشته باشد، می‌توان روشن‌کننده نامید.

«ویلیام کوندون» حرکت آهسته فیلم‌های برخورد انسان‌ها را مشاهده و بررسی می‌کرد؛ سپس آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌داد. کارهای تحقیقاتی او یکی از سنگ‌بناهای تحقیق غیرکلامی را تشکیل می‌دهند. این دانشمند معتقد است که همه انسان‌های عادی، هنگام صحبت کردن، بین صدا و حرکات بدن خود نوعی هماهنگی ایجاد می‌کنند. در واقع چنین کنش‌های هماهنگ‌شده بین صدا و عضلات برای برقراری ارتباط موفق نقش اساسی دارند. روشن‌کننده‌هایی که هر کس از آن‌ها استفاده می‌کند، گاهی اوقات از بازتاب روشن‌کننده‌های طرف مقابل ناشی می‌شود.

روشن‌کننده‌ها همچنین باید با یکدیگر هم‌زمانی داشته باشند. در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### الف) اشارات سر: «حرکت‌های سر» ممکن است شامل این معانی باشد:

- تکان دادن سر به طرف بالا و پایین: گاهی برای دعوت دیگران به آرامش و گاهی نشانه توافقی است.
- تکان دادن سر به سمت چپ و راست: علامت مخالفت و بی‌علاقگی است.
- حرکت سر به یکی از جهت‌های مختلف به علامت انجام دادن کاری در آن جهت.



- حرکت مداوم و آرام سر به بالا و پایین به معنی درک کردن موضوع.
  - حرکت به طرف چپ و راست با گفتن یکبار «تچ» به معنی مخالفت یا ندانستن جواب مورد نظر.
  - حرکت به طرف چپ و راست با گفتن «تچ»های پی‌درپی برای ابراز تأسف و تأثر.
  - تکان دادن سر به طرفین: عدم انتظار عمل انجام شده.
  - کج کردن سر به طرف شانه‌ها: نشانه غم و اندوه، پشیمانی و شرمساری.
  - خاراندن سر با ابروهای بالا آمده: نشانه تفکر و یا محاسبه.
- ب) اشارات اندام‌های صورت:** در این قسمت به حرکات و معانی مختلف اندام‌های ابرو، چشم، بینی، دهان و لب پرداخته می‌شود.

### ب.۱. اشارات ابروان:

- ابرو در هم کشیدن به معنی عصبانیت (همراه با دست برکمر زدن).
- بالا انداختن یکی از ابروان به همراه تغییر حالت چشم‌ها به معنی تحقیر و بی‌احترامی.
- بالا انداختن دو ابرو و گشاد کردن چشم‌ها به معنی تعجب.
- نکته: در مورد ابروها باید گفت که بیشتر، حالات ابرو با توجه به حالت چشم‌ها معانی مختلفی به خود می‌گیرند.

### ب.۲. اشارات چشم‌ها:

از حالات رخساری، چشم‌ها مهم‌ترین نقش را بازی می‌کنند. چشم‌ها دارای زبان مخصوص به خود هستند. آن‌ها تبسم می‌کنند، اخم می‌کنند و خستگی یا نگرانی را نشان می‌دهند. نگاه‌ها از فرهنگی به فرهنگی و از قومی به قومی متفاوت هستند؛ اما تماس چشمی نقش مهمی در تنظیم ارتباط متقابل در مصاحبه تاریخ‌شفاهی دارد.

اطلاعات بینایی در هر تبادلی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا دستگاه بینایی مهم‌تر از دستگاه شنوایی است. اگر انسان‌ها در شرایطی قرار گیرند که در داشتن دستگاه‌های بینایی و شنوایی به ناچار یکی را انتخاب کنند، حدود ۹۵ درصد از مردم دستگاه بینایی را بر می‌گزینند. دلیل دیگری که نشانه اهمیت بیشتر دستگاه بینایی نسبت به شنوایی است، مسافتی است که در آن، دو دستگاه مذکور می‌توانند به فعالیت بپردازند.

### ب.۳. بینی:

- لمس بینی: وقتی دست فردی در هنگام گفتگو با بینی‌اش تماس پیدا می‌کند، نشانه آن است

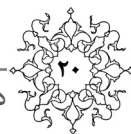


که فرد موضوعی را کتمان می‌کند. ظاهر وی ممکن است آرام به نظر برسد؛ اما باطن فرد پریشان و آشفته است. روان‌شناسان معتقدند که دست‌زدن به بینی یک حرکت غیرارادی برای پوشاندن دهان و کتمان دروغ است.

- چین و چروک بینی: وقتی عضلات اطراف بینی منقبض می‌شوند، چین و چروک مابین چشم‌ها پدید می‌آید که افشاکننده تنفر است و مفهوم دقیق آن یعنی یک طرد ملایم تا تنفر شدید.
- پیچیدن بینی: پیچ خوردگی بینی به یک‌سو نشانه نفرت و بیزاری و طرد است.
- فراخ کردن بینی: خشم، غضب و عصبانیت.
- حرکت بینی به سمت بالا: وقتی بینی با کج کردن سر به عقب، به سمت بالا می‌رود به‌طور ضمنی نشانه آن است که فرد می‌گوید: «من برتر هستم، من بهتر از شما هستم».
- گشاد شدن پره‌های بینی: نشانه عصبانیت و خشم زیاد.

#### ب.۴. اشارات دهان و لب‌ها:

- گاز گرفتن لب پایین به معنی تعجب یا تأثر یا تحسر.
- دهان بسته به حرکتی به طرف پایین و ابروان به طرف بالا به معنی بی‌اعتنایی یا تمسخر.
- باز ماندن دهان به معنی تعجب.
- دهان کجی همراه با گفتن «یه یه یه» و حرکت فک پایین به راست و چپ به معنی تمسخر.
- پر کردن دهان از هوا و باد کردن لب‌ها و فوت کردن هوا به بیرون: نشانه خستگی یا فارغ‌شدن از کاری خسته‌کننده.
- گزیدن لب پایین: تأسف از خطایی که صورت گرفته است.
- خمیازه کشیدن: خواب آلودگی تنها دلیل خمیازه نیست؛ بلکه خمیازه اجتماعی نیز وجود دارد. خمیازه گاهی برای نشان دادن کسل‌شدن و خسته‌شدن از سخنان طرف مقابل است.
- ج) اشارات دست:** حرکت تمام یا ساعد یا کف یا دو دست یا انگشتان یا انگشت سیابه یک دست به طرف بدن: به معنی «بیا» و دور از بدن: به معنی «برو» (هر چه فاصله مخاطب دورتر و هیجان بیشتر باشد، قسمت بیشتری از دست به حرکت در می‌آید):
- حرکت دست به طرفین مثل باد زدن کباب: «به به چه کاری کردی!».
- زدن دست به پشت دست دیگر: تعجب و تأثر.
- دست‌ها به روی زانو: وقتی کف دست‌ها به طرف بالا باشد، شخص گشاده‌رو و پذیراست. وقتی کف دست‌ها پایین باشد، ممکن است پای فریبکاری در میان باشد.
- خاراندن پره بینی با سیابه به معنی فکر کردن به هنگام حساب یا یادآوری و همچنین برای



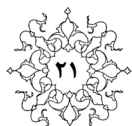
- نهفتن احساس درونی که از سر دواندن کسی عارض شود.
- زدن مشت گره کرده بر بدن خود: هیجان.
- چهار انگشت بسته افقی بالای هر چشم برای نظاره با دقت.
- بشکن با انگشت میانه یا انگشت چهارم و شست و برحسب عادت اشخاص مختلف: شادی.
- قلاب کردن انگشتان کوچک به معنی قهر.
- دست دادن: آغاز یا پایان مکالمه.
- بالا بردن دست: دعوت به برخاستن فرد یا افرادی که نشسته‌اند.
- پایین آوردن دست: پذیرفتن سخن گوینده، دعوت به آرامش.
- گذاشتن دست روی گوش‌ها: نشانه عدم تمایل به شنیدن سخنان طرف مقابل.
- دست روی سینه گذاشتن: احترام به طرف مقابل.
- قلاب کردن دو دست در جلوی بدن: احترام به طرف مقابل.
- قلاب کردن دو دست در پشت بدن: احساس برتری به طرف مقابل.
- دست دادن بسیار محکم: نشانه شور و اشتیاق و سلطه‌گری است. بی‌تردید می‌توان فهمید چه کسی اینجا فرمان می‌دهد.
- دست‌ها را به کمر زدن نشانه طلبکار بودن.
- دست به سینه ایستادن نشانه عصبانی و طلبکار بودن.
- دست به سینه نشستن به معنی رعایت سکوت.

### ه) حرکت اندام‌های دیگر:

- بالا انداختن شانه‌ها: اظهار بی‌اطلاعی همراه یا بی‌اعتنایی به موضوع.
  - پشت کردن به طرف گفتگو: بی‌احترامی یا درخواست غیرمؤدبانانه قطع ارتباط زبانی.
- البته باید به این مسئله توجه داشت که هر یک از این نشانه‌ها بسته به محیط‌ها و موقعیت‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند حامل معانی متفاوتی هستند که در اینجا فقط به معانی بارز آنها که در اغلب موارد برداشت می‌شود، اشاره شده است؛ برای مثال ممکن است یک فرد در حالت عصبانیت لبخند بزند فقط بدان علت که بنا به دلایلی نخواهد عصبانیت خود را بروز دهد.

### زبان بدن و فرازبان در تاریخ شفاهی

ارتباطات غیرکلامی دامنه وسیعی از هر فرهنگ را در برمی‌گیرند. یکی از دلایل استفاده از زبان بدن در تاریخ شفاهی این است که مصاحبه‌شونده پیام‌ها را با زبان انتقال می‌دهد اما آنچه مصاحبه‌گر باید در هنگام مصاحبه به آن توجه داشته باشد زبان بدن مصاحبه‌شونده است. زیرا دو نوع ارتباط کلامی و غیرکلامی لازم و ملزوم یکدیگرند و در انتقال پیام مکمل یکدیگر عمل



می‌کنند. ارتباط غیرزبانی در آغاز مصاحبه و در حین آن در تعمیق مصاحبه و کیفیت آن به لحاظ اعتبار و عینیت می‌تواند نقش مهمی داشته باشد.

در تماس مصاحبه‌گر با مصاحبه‌شونده که برای اولین بار انجام می‌گیرد دو حالت وجود دارد: در تماس نخست که اغلب تلفنی است، زبان بدن مصاحبه‌گر، نخست لبخند است زیرا لبخند از پشت تلفن به خوبی منتقل می‌شود و آغاز ارتباط و برخوردی خوش را ایجاد می‌نماید. در تماس حضوری، ارتباط اولیه با دست دادن آغاز می‌شود و با آن نیز مکالمه پایان می‌یابد. مدل دست‌دادن، دست‌دادن بسیار محکم، نشانه شور و اشتیاق مصاحبه‌گر به حضور نزد مصاحبه‌شونده است. قلاب‌کردن دو دست در جلوی بدن نیز احترام به فرد مقابل‌تان می‌باشد. سپس تماس چشمی نقش مهمی در تنظیم ارتباط متقابل در مصاحبه تاریخ‌شفاهی دارد. از حالات رخساری، چشم‌ها مهم‌ترین نقش را بازی می‌کنند. چشم‌ها دارای زبان مخصوص به خود هستند. آنها تبسم می‌کنند، اخم می‌کنند و خستگی یا نگرانی را نشان می‌دهند و این علائم در مصاحبه و تشویق فرد به ادامه صحبت و یا همراهی احساسی با فرد مصاحبه‌شونده بسیار مهم است.

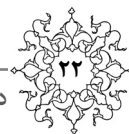
میزان فاصله به عنوان یک فرازبان در مصاحبه باید به گونه‌ای باشد که نزدیکی و تعامل بین آن‌دو برقرار باشد. پیشنهاد می‌شود هر دو چهره به چهره با فاصله کمی مقابل هم بنشینند و ضبط‌صوت را در این مکان گذاشته شود. ظاهر فیزیکی از دیگر نکات مهم است. فیزیک فرد شامل کفش، لباس، پوشش و آرایش مو و صورت و تمیزی و آراستگی است. لباس مرتب و صورت آراسته گواهی بر جدی‌بودن و اهمیت داشتن کار مصاحبه است.

حالت صورت و خوشرو بودن از ویژگی‌های مهم مصاحبه‌گران می‌باشد، زیرا روی باز و گشاده در برقراری ارتباط بسیار اهمیت دارد.

مسیر دید و تماس چشمی نقش مهمی در تنظیم ارتباط متقابل در مصاحبه تاریخ‌شفاهی دارد. چشم‌ها دارای زبان مخصوص به خود هستند. آن‌ها تبسم می‌کنند، اخم می‌کنند و خستگی یا نگرانی را نشان می‌دهند.

نگاه در مصاحبه به گونه‌ای باید باشد که مصاحبه‌گر در حین صحبت‌های مصاحبه‌شونده توجه کامل از خود نشان دهد. نگاه مستقیم از روبرو و گاه مسیر نگاه را به زیر انداختن به فراخور صحبت‌ها ایجاد همخوانی می‌نماید.

در پایان نکته بسیار مهم رعایت زمان است. مدت و زمان‌بندی صحبت در مصاحبه بستگی به شرایط متفاوت است. زمان متعارف و تأثیرگذار را حدود یک و نیم ساعت ذکر کرده‌اند. اما در مصاحبه با نخبه‌ها به دلیل آنکه وقت و فرصت اندک است و هماهنگی با آنان به سختی انجام می‌گیرد، باید از حداکثر وقت استفاده کرد و تا زمانی که وقت ایجاد می‌کند به مصاحبه ادامه داد.



## منابع:

- استنفورد، مایکل (۱۳۸۶). درآمدی بر تاریخ پژوهی. ترجمه مسعود صادقی. تهران: دانشگاه امام صادق و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- پهلوان نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۶). ارتباطات غیر کلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی. مجله زبان و زبان‌شناسی. سال سوم، شماره دوم.
- توکلی، فائزه (۱۳۹۱). مبانی نظری در تاریخ شفاهی. زیر چاپ در حوزه هنری انقلاب اسلامی.
- رضوی، ابوالفضل (اسفند ۱۳۸۶)، اهمیت و جایگاه رویکرد شفاهی در مطالعات تاریخی. ماهنامه تخصصی کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۱۸.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۴). ارتباطات انسانی مبانی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. ج ۱.
- قاسمی، سید فرید (۱۳۷۸). روزنامه‌نگاری حرفه‌ای (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات و رسانه‌ها.
- کاموس، مهدی (۱۳۸۶). مفهوم و ماهیت مصاحبه در تاریخ شفاهی مجموعه مقالات مصاحبه در تاریخ شفاهی.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۰). ارتباط شناسی. تهران: سروش.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۷). روش‌های مصاحبه خبری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- Seladon Anthony, and pappworth, Joanna, *By word of month; Elite oral History* Methuen: 1989.
- 11-Stimson GV, Fitch C, and Rhodes T, 1998, *The rapid Assessment and response Guide on Injecting Drug Use*. Geneva.
- Vandecasteele – schweitzer and voldman, in perrot, 199

